بسم‌الله الرحمن الرحیم

[سیره عقلائیه در جواز تقلید 2](#_Toc433645909)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc433645910)

[لبیت سیره عقلائیه 2](#_Toc433645911)

[مراد از احتیاط در این باب 2](#_Toc433645912)

[اجوبه استدلال فوق 2](#_Toc433645913)

[جواب اول 2](#_Toc433645914)

[جواب دوم 2](#_Toc433645915)

[استدراک از بحث 3](#_Toc433645916)

[جمع‌بندی 3](#_Toc433645917)

[اتخاذ مبنا 3](#_Toc433645918)

[سیره در قبال عامی محض 3](#_Toc433645919)

[حکم عامی متوسط 4](#_Toc433645920)

[حکم عقل در این مقام 4](#_Toc433645921)

[جمع‌بندی 4](#_Toc433645922)

[نتیجه‌گیری 4](#_Toc433645923)

[حکم تخییر در مسائل مهمة 4](#_Toc433645924)

[نتیجه‌گیری 5](#_Toc433645925)

# سیره عقلائیه در جواز تقلید

# مرور بحث گذشته

ادله جواز تقلید حتی در شرایطی که احتیاط نیز میسر باشد، موردبررسی قرار گرفت. دلیل اول عقل و دلیل دوم سیره عقلایی بود که تقریر شد. بیان شد این سیره با مناقشاتی مواجه شده است. اشکال دیگری که ممکن است مطرح شود، این بوده که مراجعه به کارشناس مربوط به مواردی است که احتیاط میسر نیست، والا احتمال داده می‌شود که احتیاط وجهی نداشته باشد.

# لبیت سیره عقلائیه

به‌خصوص با توجه به اینکه سیره دلیل لبی است و در دلیل لبی باید به‌قدر متیقن اخذ شود. البته این را می‌شود با دو تقریر بیان نمود که؛ یک تقریر بدین‌صورت است که سیره در همه شئون زندگی فرد بدین گونه است که در موارد تیسر احتیاط نباید تقلید نمود. اما تقریر دیگر این است که در امور شرعی در قبال این شمول تردید وجود دارد.

# مراد از احتیاط در این باب

مقصود از احتیاط در این مقام احتیاط فی‌الواقع که حداکثری است، نبوده بلکه مراد احتیاط میانه ایست که بیان شد چراکه احتیاط اول امری دشوار است. لذا مراد احتیاط در اقوال بوده؛ حال فقهاء معاصر یا همه فقهاء مدنظر است.

## اجوبه استدلال فوق

## جواب اول

این شبهه به نظر می‌رسد که وارد نباشد چراکه سیره عقلاء بدین نحو است که در صورت عدم علم در موردی به کارشناس آن بخش مراجعه می‌نماید، لذا روال متعارف زندگی آنان بدین‌صورت نیست. این پاسخ اول مسأله است.

## جواب دوم

پاسخ دوم بدین‌صورت است که در مسائل شرعی به سبب وجود شبهات و تشکیکاتی در احتیاط سیره قابل دفاع بوده و در آن مانعی وجود نداشته باشد.

لذا در مواردی که احتیاط میسر است نیز در امور شرعی جریان نخواهد داشت. بنابراین جواب اول به نحو کبروی بوده و جواب دوم برفرض قبول عدم اطلاق است.

## استدراک از بحث

هرچند که مواردی مانند حدود و دماء، جای احتیاط بوده و سیره بر تقلید در آن موارد جاری نخواهد بود. ظاهراً این تبصره را در این مقام باید پذیرفت. لذا در مسائل حساس تردیدی در این زمینه وجود دارد که فرد به کارشناسی هرچند اعلم مراجعه کند بلکه باید احتیاط نماید.

## جمع‌بندی

این مجموعه‌ای از مباحث مربوط به سیره است. در دلیل عقل اگر سیره‌ای نیز موجود نباشد، مانعی به وجود نخواهد آمد که امری روشن است.

## اتخاذ مبنا

## سیره در قبال عامی محض

اما تحقیق در مسأله این است که حکم عقلی چند مرحله ایست و عامی را نباید در یک مرحله ارزیابی نمود بلکه در هر مرتبه عقلی حکمی مستقل داشت، ظاهراً سیره نیز بدین‌صورت است. بدین معنی که نوعی از عامی، عامی محض است، سیره عقلان مبنی بر مراجعه به کارشناس در این قسم است تا فرد از جهل مطلق خارج شود. لذا این اولین گامی است که سیره او را روبه‌جلو می‌خواند.

این سیره اولیه است. هرچند که ابتداءً برای عامی احتمالاتی وجود دارد. لذا این سیره تقلید به معنای خاص نیست و بااحتیاط سازگاری دارد.

## حکم عامی متوسط

اما زمانی که شخص از جهل مطلق خارج شد و از افرادی اموری را استماع نموده است. هرچند به پیشرفت خاصی در آن مسائل نرسیده است. لذا پس‌ازاینکه به عامی متوسط تبدیل گشت، سیره در این مقطع وجود دارد. به نظر می‌رسد در این مرحله نیز بناء بر احتیاط نیست چراکه برای این فرد نیز احتیاط مسأله ای محل کلام است.

## حکم عقل در این مقام

سیره عقلان در قبال این فرد می‌گوید که برای او راه تقلید وجود ندارد. برای این شخص در اینجا راه احتیاط نیز وجود دارد. گویا در این مقام سیره عقلائیه اصل نیست بلکه حکم عقل بوده که فرد را در حال انسداد به این حکم می‌خواند.

## جمع‌بندی

لذا در اینجا هم عقل و هم سیره عقلان این مطلب را بیان می‌کند که نزد وجود دلیل عقل، سیره چندان اهمیتی ندارد چراکه علت اقوی و منشأ سیره در اینجا همان حکم عقل است.

همان‌طور که اگر درجایی حکم عقل و سیره بود شیء مستند به اقوی العلل خواهد بود.

## نتیجه‌گیری

بنابراین سیره و حکم عقل مبنی بر تخییر خواهد بود. بدین معنی که فرد مخیر بر تقلید و احتیاط است.

## حکم تخییر در مسائل مهمة

اما آنچه در اینجا باقی‌مانده این است که سیره یا حکم عقل بدین شکل که بیان شد در مواردی که امور مهمه باشد، بدین سادگی نتوان گفت حکم اولیه برای عامی بر جواز تقلید است.

## نتیجه‌گیری

لذا ممکن است حکم اولی در مواردی مانند دماء و حدود که قتل نفس در آن است، حکم به تخییر نباشد و حکم مبنی بر احتیاط باشد، البته این صورت در فرض اخیر است.

هرچند که در قبال مجتهد نیز ما این بیان را قبول داشتیم که حدود می‌توانند شبهات را دفع کنند هرچند امثال آقای خویی آن را نمی‌پذیرفتند.